



# تعلیم و تربیت

حسنعلی محمودی

معاونت پژوهش دفتر مطالعات قم

## چکیده

نوآوری در همه‌ی ابعادش با تفکر و هم‌اندیشی همراه است و شکوفایی ثمره‌ی چنین اندیشه‌ای است. یکی از ابعاد نوآوری و شکوفایی، تعلیم و تربیت در مسجد است که در نوشتار حاضر به آن می‌پردازیم. بعد از شناسایی مفهوم نوآوری و شکوفایی در لغت و اصطلاح، آیات و روایاتی را ذکر می‌کنیم که به این مفهوم اشاره می‌کند. در ادامه به ابعاد نوآوری و شکوفایی اشاره می‌کنیم؛ و همچنین به نقش محوری مسجد در تعلیم و تربیت، متحول کردن افراد جامعه، سوق دادن آن‌ها به سوی نوآوری و شکوفایی، راهکارهای عملی در این زمینه و نقش‌های آن نگاهی می‌اندازیم. در قسمت پایانی، نوآوری در راستای شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد را آسیب‌شناسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: نوآوری، شکوفایی، مسجد، تعلیم، تربیت

## مقدمه

اسلام مکتب تعلیم و تربیت و به کمال رساندن انسان‌هاست. امر تعلیم و تربیت در اسلام چنان مقدس است که رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هدف خود از بعثت را اتمام و اکمال بزرگواری‌های اخلاقی در راستای حفظ کرامت انسانی قلمداد می‌کند:

« إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ »<sup>۱</sup> همانا من برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی فرستاده شده‌ام.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای هدایت و تعلیم و تربیت اسلامی به حدی تلاش می‌کرد که خدای تعالی فرمودند:

« مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى »<sup>۲</sup> ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بگیری.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مکان این امر مقدس را از ابتدای برنامه‌ی آموزشی و تربیتی اسلام مسجد قرار داد؛ به همین جهت هر جا پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای تعلیم و تربیت افراد مسلم و مؤمن وارد می‌شد، نخست مسجدی می‌ساخت برای عبادت و برنامه‌های تربیتی.

با وجود اینکه مسجد، همان‌گونه که از نامش پیداست، محل عبادت خدای یگانه و تقرب‌جستن به او است؛ اما کارکردهایش در صدر اسلام معلوم می‌کند که از آغاز فقط جایگاه عبادت یا معبد ساده‌ای نبوده است، بلکه مکانی برای ارشاد، تبلیغ و تعلیم و تربیت اسلامی بوده است. تا آنجاکه سیره‌ی رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷، بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت لبنان، موسسه‌ی الوفاء، ج ۶۸، ص ۳۸۲، ب ۹۲ حسن الخلق.

ما نشان می‌دهد، او مسائل علمی را در مسجد مطرح می‌کرد و به مسئله‌ی آموزش و تعلیم و تربیت بیش از عبادت و خواندن نماز اهمیت می‌داد. به دستور قرآن، مهم‌ترین محورهای کاری آن حضرت تعلیم و تربیت و ترکیه‌ی نفوس بود که بیش از همه در مسجد انجام می‌شد. برنامه‌ی کاری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مسجد، برپایه‌ی دو محور اساسی و سازنده دنبال می‌شد:

۱. مردم را با فن‌های جنگ با کفار و مشرکین آشنا کند؛

۲. تعلیم و تربیت افراد را در ابعاد مختلف دنبال کند.

بنابراین، از صدر اسلام، مرکز تعلیم و تربیت مسجد بود. در دوره‌های مختلف زمانی همواره به این سنت توجه می‌شده است؛ ولو به صورت کم‌رنگ و ضعیف. لکن در روش تعلیم و تربیت یا در طراحی و برنامه‌ریزی در امور مسجد‌ها به صورت جذاب و محوری نوآوری نشده است. آموزش و پرورش در نهادهایی غیر از مسجد‌ها، چه در کشورهای اسلامی و چه غیراسلامی، به روز می‌شود؛ بنابراین ضروری است که در نحوه‌ی آموزش و تربیت اسلامی در مسجد تجدیدنظر شود؛ زیرا برنامه‌هایی تکراری که نوآوری و خلاقیت ندارد، موجب دل‌سردی در افراد می‌شود؛ به‌ویژه در جوانان.

در اسلام، بر عمران و آبادانی مسجد بسیار سفارش شده است. یکی از مهم‌ترین نشانه‌های این آبادانی حضور پرگوش و فعال مسلمانان در مسجد برای عبادت و تعلیم و تربیت است. از این رو باید برای عمران و آبادانی مسجد - به‌ویژه عمران معنوی و آبادانی موردنظر اسلام - و شکوفایی‌اش در امر تعلیم و تربیت به طرح‌های نو توجه کرد. به‌علت اهمیت نوآوری و خلاقیت در امر آموزش و تعلیم و تربیت، قصد داریم در این مقاله تعلیم و تربیت در مسجد را با رویکردهای نو و خلاقانه بررسی کنیم. از این رو، نخست لازم است با مفهوم نوآوری و شکوفایی آشنا شویم و آیات و روایاتی را بررسی کنیم که به این موضوع اشاره دارند، سپس به ابعاد و شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی می‌پردازیم؛ البته با تأکید بر نوآوری و شکوفایی در امر تعلیم و تربیت در مسجد. به‌دلیل اینکه همواره نوآوری در مع‌رض آسیب‌های احتمالی است، در ادامه به مانع‌های تحقق نوآوری و راهکارهای اجرایی‌شدن آن اشاره می‌کنیم.

مفهوم‌شناسی نوآوری و شکوفایی

الف) معنای لغوی نوآوری و شکوفایی

نوآوری کلمه ای ترکیبی است از «نو» و «آوری» به معنای ابتکار، ابداع و در مواردی نیز به معنای بدعت‌گذاری<sup>۱</sup>. نوآوری از ادراک سرچشمه می‌گیرد و در اثر دیدن اشیاء و پدیده‌ها از زاویای نو پدید می‌آید و گاه محصول خلاقیت انسان نیز است؛ ازاین رو پیوند و ارتباط عمیقی با خلاقیت دارد. نواندیشی وصف فرد یا جامعه‌ای است که اندیشه‌هایی نو دارد.

شکوفایی به معنای شکفتن، بازشدن غنچه، پدیدارشدن و آشکارشدن است. شکوفایی نیز نوعی خلاقیت است. نوآوری همچون دانش و شکوفایی همچون تکنولوژی است؛ یعنی شکوفایی کاربرد و به‌صحنه‌ی زندگی‌کشاندن نوآوری است؛ مانند درختانی که در فصل بهار تجدید حیات می‌کنند و شکوفه اولین آثار رشدی است که در وجودشان جوانه می‌زند.

#### ب) معنای اصطلاحی نوآوری و شکوفایی

نوآوری و شکوفایی در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی‌اش است؛ ابتکار، خلاقیت، چیزی تازه کشف‌کردن و به‌وجودآوردن؛ اما در علوم مختلف معنای متناسب با آن علم را دارد. نیای مثال، نوآوری در صنعت به معنای اختراعات و اکتشافات، در مدیریت به معنای برنامه‌ریزی جدید، در اقتصاد به معنای طرح و روش نو در سیستم اقتصادی و بانک‌داری و... است.

اما گاهی مراد از نوآوری در دین حکم جدیدی است که در شریعت سابقه نداشته است؛ این گونه نوآوری بدعت در دین و مذموم و ممنوع است. اگر مراد از نوآوری در دین، پیشرفت علوم اسلامی، استنباط احکام جدید و برداشت نو از سنت پیشوایان دین باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه پسندیده و کار مردان سخت‌کوش و فقیهان است. به‌دلیل بازبودن باب اجتهاد در مذهب شیعه، این سنت در طول تاریخ، به‌صورت متداول، جریان داشته است. ازاین رو، می‌توان گفت نوآوری و شکوفایی در دین سند زنده‌بودن اسلام در هر عصری است و جواب‌گوی مسائل و احکام جامعه در هر شرایطی.

#### پرسش‌های اساسی تحقیق

۱- آیا اسلام نوآوری و شکوفایی را می‌پذیرد؟

۲- آیا به نوآوری و شکوفایی در آیات و روایات اشاره شده است؟

۳- گستره‌ی نوآوری و شکوفایی تا کجاست؟

۱- لغت نامه لسان العرب، ج ۸، ص ۶ و قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۷۱

۴- ابعاد نوآوری و شکوفایی در تعالیم و تربیت در مسجد چیست؟

۵- آیا تا کنون در تعالیم و تربیت در مسجد نوآوری شده است؟

۶- شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی در تعالیم و تربیت چیست؟

### فرضیه‌ی تحقیق

مسجد می‌تواند کانون نوآوری و شکوفایی در تعالیم و تربیت باشد. نوآوری و شکوفایی در اسلام همیشه جریان داشته است؛ پیشرفت علوم اسلامی از جمله علم فقه و اصول و همچنین پاسخ به سؤال‌ها و مسائل مستعدته بارزترین شیوه‌ی آن است.

### نوآوری و شکوفایی در آیات و روایات

باتوجه به تعریف‌هایی که از نوآوری و شکوفایی شد، به‌ویژه نوآوری در دین و به معنای استنباط احکام و مسائل مستحدثه، به‌خوبی مشخص است که اسلام طرفدار آن است و از نوآوری و شکوفایی مفید برای فرد و جامعه استقبال می‌کند. در آیات قرآن و روایات اهل بیت به این مفهوم، ویژگی‌های آن، ریشه‌ها و عوامل، نتایج، ضرورت‌ها و نمونه‌ها اشاره‌های فراوانی شده است. در این بخش از مقاله به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### • آیات قرآن

در قرآن کریم بعضی از اسم‌ها و صفت‌های الهی در بردارنده‌ی مفهوم «نوآوری» و «شکوفاشدن» است:

۱- الخالق؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>۱</sup> یا «مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ»<sup>۲</sup>. خالقیت به معنای آفرینش است و نوآوری دارد.

۲- الباری؛ «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى»<sup>۳</sup> و «فَتَوَبُّوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ»<sup>۴</sup>. باری همان خالق است که با نوآوری و از عدم چیزی را آفریده است.

۱- زمر/ ۶۲

۲ دعای جوشن کبیر

۳- حشر/ ۲۴

۴- بقره/ ۵۴

۴- البديع؛ «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». 'بديع به معنای ابداع کننده است و خداوند بديع است که موجودات را نو و بدون پیشینه‌ی قبلی و بدون نقشه و مثال آفریده است.

همچنین نام‌های دیگر پروردگار - همچون «مَصُّور، فاطر، مبدئ، کاشف، باسط، منشی، قابض، باعث، معلن، مبین، مبین، واسع، موسع، مفصل، فُتَّاح، فالق، فارق، فارج و فاتح» - همگی متضمن معنای نوآوری، ایجاد و شکوفایی، پدیدآوردگی، گشایش دهندگی، کارگشایی، برطرف‌کنندگی، بازکنندگی، پیونددهندگی، آشکارکنندگی، نخستین آفرینی، نوآفرینی و امثال آن است که در آیات و روایات دیده می‌شود. البته جامع‌ترین نامی که دربردارنده‌ی همه‌ی مفهوم‌های فوق است، همان «رب» در «ربّ العالمین» است که نشان می‌دهد پروردگار همه‌ی هستی و اجزای آن را از عدم با ابداع آفریده، پرورش داده و شکوفا کرده است.

از آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی الرحمن، «سَأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»، برداشت می‌شود که خداوند پیوسته در حال نوآوری است. تفکر در آفرینش و چرخه‌ی پیوسته‌ی حیات و ممات نیز ما را به نوآوری مستمر الهی رهنمون می‌کند.

در قرآن، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و امش پدیده‌ای نو هستند و ویژگی نوشوندگی، زاینده‌ی، بالندگی، فزاینده‌ی و گستردگی را دارند. دراصل، ظهور دین‌های الهی به‌منظور شکوفایی و نوآوری در هدایت انسان‌ها است. این مطلب از آیات متعددی برداشت می‌شود؛ از جمله آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی فتح که می‌فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَتَعَوَّنَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِرِّيًّا فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَصِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»، محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شجاع و در مطن خود مهربان‌اند. پیوسته آن‌ها را در حال رکوع و سجود می‌بینی؛ درحالی‌که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه‌ی آن‌ها در صورتشان از اثر سجده‌نماکن است. این توصیف آن‌ها در تورات است و مثل آنان در انجیل این است. همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته

تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورده. (ولئ) کساری از آن‌ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

این مثال جالب و زیبا که توصیفی از تورات و مثالی از انجیل دارد، درباره‌ی طوفان واقعی پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و از یکی سو آنچه را حکایت می‌کند که طوفان پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) متصف به آن بوده‌اند و از سوی دیگر به کساری که می‌خواهند مسلمان حقیقی و طور واقعی پطمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) باشند می‌آموزد که باین چه صفت‌ها و ویژگی‌هایی داشته باشند. «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ» مَثَلُ بِيْوَانِ صَادِقٍ وَ مُخْلِصِ بَطْمِبِرِ اَكْرَمِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. در کتاب آسمانی مسیح‌طن، انجیل، مَثَلُ مزرعه و زراعتی هست که این ویژگی‌های پنج‌گانه را دارد:

۱ - «أَخْرَجَ شَرْطَهُ»: «شَطَأً» در عربی دو معنی دارد: نخست به جوانه‌هایی گفته می‌شود که کنار گلخانه طی درختان می‌رویی و کم‌کم رشد می‌کند و مستقل می‌شود. همچنین، به نوزادان حیوانات گفته می‌شود که بر اثر زادوولد زلزله می‌شوند.<sup>۱</sup> بنابراین «شَطَأً» به معنای زائیدگی، بالندگی، فیا زائیدگی، گستردگی و مانند این‌ها است.

نخستین ویژگی تشبیه‌ی یاران پیامبر به زراعت این است که تنها و محدود نیستند بلکه جوانه می‌زنند و زائیده هستند. به عبارت دیگر، عقیم و نازا نسپینند بلکه همواره در حال تولد و تکثیر هستند.

۲- «فَأَزْرَهُ»: «آزر و موازرت» به معنای حمایت و تقویت است. «وزی» را به دلیل اینکه از «شاه» حمایت می‌کند و او را تقویت می‌کند وزیر می‌نامند. امام علی (علیه‌السلام) وزیر پیامبر بود؛ زیرا حامی پیامبر بود و در راه تقویت دین آن حضرت تلاش کرد.

زراعتی که نام برده شد، نه تنها رشد و بالندگی و زائیدگی دارد و جوانه می‌زند بلکه همواره از جوانه‌ها حمایت می‌کند، مانع‌ها را از سر راهش برمی‌دارد، نظرهاش را برآورده می‌کند و تقویتش می‌کند.

۳ - «فَأَسْتَعْلَظَ»: ویژگی سوم مزرعه این است که جوانه‌های حمایت‌شده کم‌کم محکم می‌شوند و در سایه‌ی حمایت و تقویت مزرعه استحکام می‌یابند.

۱- ر.ک، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۰۰

۴ - «فَأَسْتَوِي عَلَى سَوْفِهِ»: حمایت از جوانه‌ها و تقویتشان تا آنجا که احساس استقلال کنند و روی پای خود بایستند ادامه پیدا می کند. هنگامی که دوران وابستگی به سر بیاید، خودشان جوانه می زنند و جوانه‌هایشان ریزن به همان شکل سابق مراحل سه‌گانه‌ی «حمایت»، «استحکام» و «استقلال» را سپری می‌کنند.

۵ - «عُجِبَ الزُّرَّاعَ لِيُخِطَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»: تولد، رشد و تکلیف این مزرعه‌ی بابرکت به قدری زلط و چشم‌گش است که کشاورزان را در حیرت فرو می‌برد؛ به‌گونه‌ای که از تعجب انگشت بر دهان می‌گذارند؛ زنی برخی از درختان و گیاهان در مدت کوتاهی سراسر باغ را پوشانده‌اند و درمقابل کافران در خشم فرومی‌روند.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۱</sup>

خداوند متعال فقط به طوان و اصحابی از بعلبیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وعده‌ی بخشش و اجر بزرگ داده است که نخست ایمان بیاورند و اعتقادات خود را اصلاح کنند، سپس اعمال و کردار شایسته داشته باشند، نه به همه‌ی طوان و اصحاب ایشان. کلمه‌ی «منهم» به اصطلاح ادبای عرب «تبع‌حضری» است و فقط برخی از اصحاب بعلبیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را شامل می‌شود که صفت‌هایشان در آی آمده است و نه همه‌ی اصحابشان. طبق این آیه، برخی از اصحاب بعلبیر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به مزرعه‌ای زائیده و بالنده تشبیه شده‌اند و به‌دلیل ایمان و عمل صالحشان خداوند به آن‌ها بشارت «مغفرت» و «اجر عظیم» داده است.<sup>۲</sup>

همچنین، شأن نزول آیه‌ی فوق مصداق بارز نوآوری است که آثار فراوانی داشت؛ مثل داستان صلح حدیبیه و نوآوری پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در برخورد با مشرکان و حرکت بدون سلاح و با لباس احرام به سمت مکه و درهم‌شکستن همه‌ی تصورهای مشرکان که همان «فتح‌المبین» است. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۳</sup> سنت پروردگار در این است که سرنوشت دنیا و آخرت دگرگون نمی‌شود؛ مگر با پویایی، تغییر و نوآوری انسان‌ها.

«وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَضْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»<sup>۴</sup> و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند نه بلکه از چیزی

۱ - فتح : ۲۹

۲ - مثال‌های زیبای قرآن، مکارم شیرازی، قم، مدرسه‌ی امیرالمؤمنین (ع)، ص ۲۱۸

۳ - رعد/ ۱۱

۴ - بقره / ۱۷۰



پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن طایفه اجماع. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه ثواب نمی‌رفته‌اند باز هم در خور پیروی هستند؟

از نظر قرآن، نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته اصلی مسلم و ضروری است؛ زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه‌ی پدران را بسیار نکوهش کرده است و انسان‌ها را به خردورزی و راهیابی دعوت می‌کند. قرآن انسان‌ها را به نواندیشی در مسیر هدایت دعوت می‌کند تا هم خرده‌اشان را بیدار کند، هم راه‌های تازه‌ای فرارویشان بگشاید. برای همین در آیه‌های زیادی به فکر، علم، عقل، تدبیر، حکمت، نور و امثال آن تأکید شده است و انسان‌های هدایت‌شده را مردگانی زنده‌شده می‌داند و برای آنان نور هدایت‌گر قرار داده است.

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»،<sup>۱</sup> خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او بپوی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد؛ و آن‌ها را به سوی راه راست رهبری می‌کند.

«أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّنًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»،<sup>۲</sup> آلی کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم با آن در مطن مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟ این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزیین شده است.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»،<sup>۳</sup> و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده است و به سوی پیامبرش بیایید، می‌گویند؛ آنچه پدران خود را بر آن طایفه اجماع ما را بس است. آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند؟

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْتَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»،<sup>۴</sup> در حقیقت کسانی را که کفر ورزیده‌اند چه بپشان بدهی و چه بپشان ندهی، برایشان یک سان است و ایمان نخواهند آورد.

۱ - مائده / ۱۶

۲ - انعام / ۱۲۲

۳ - مائده / ۱۰۴

۴ - بقره / ۶

بنابراین نواندیشی و پویایی فکری، جوهره‌ی تفکر دینی است و ایستایی و جمود نشانه‌ی کفر است. قرآن برای دانش، پژوهش، تولید علم، فهم عمیق و استنباط ارزش بسیار زیادی قائل است و مؤمنان را مکلف کرده است تا پیوسته نیاز علمی و فکری خود را با تفقه در دین به دست آورند؛ لذا می‌فرماید:

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ

إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»<sup>۱</sup> و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا

از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم

خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند؛ باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.

در اسلام بر درک عمیق و صحیح دین تأکید زیادی می‌شود. آنان که نمی‌دانند باید از آنان که می‌دانند

بپرسند؛ زیرا سؤال کردن، خود ارزش است «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup>. از این رو، خداوند در

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۳، دستور داده است تا در صورت ناتواری در حل مسئله نزد کسانی بپوید که توانایی

استنباط (پویایی، توانایی فکری و علمی) دارند. در حقیقت، دعوت به فکر، نقد، اندیشه و خردورزی در

قرآن، دعوت به نوآوری، پویایی فکری، شکوفایی ذهنی و علمی، کشف، فهم، ادراک مجهولات و

معلوم کردن نادانسته‌هاست.

در قرآن مصداق‌های متعددی از نوآوری برای شناساندن و آموزش دادن به مسلمانان آمده است. در سوره‌ی

مائده، آیه‌ی ۳۱، می‌بینیم که خداوند چگونه نحوه‌ی دفن جسد هابیل را به واسطه‌ی یک کلاغ به قاطبی

آموزش می‌دهد و می‌فرماید:

«فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَحْتَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُخَبِّرَ أَخِي سَوَاءَ أَخِي قَالَ طِي وَيْلَيْي أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ

مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأَوَارِي سَوَاءَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ»<sup>۳</sup> سپس خداوند زاغی را فرستاد که در

زمین جستجو (و کندوکاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت:

«وای بر من! آلی من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟!» سرانجام (از ترس

رسوایی، و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد.

۱ - توبه / ۱۲۲

۲ - نحل / ۴۳ - انبیاء / ۷

پروردگار در سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۵۷ و ۵۸ نوآوری و ابتکار ابراهیم را در بیدارکردن فطرت بت‌پرستان بیان می‌کند و نقشه‌ی او را مبنی بر شکستن بت‌ها و قراردادن تبر بپ دوش بت بزرگ، ابتکاری مؤثر بیان می‌کند:

«وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ \* فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» به‌خدا سوگند، در غلب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هاست. سرانجام، ابراهیم قهرمان (با استفاده از فرصتی مناسب)، همه‌ی آن‌ها را، جز بت بزرگشان، قطعه‌قطعه کرد؛ شایع سراغ او بپسند (و او حقایق را بازگو کند).

خداوند در سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۹۲، نوآوری ذوالقرنین را بیان می‌کند که با ساخت سدّ مانع طغی و طغیان جوج می‌شود و آن را رحمتی از سوی خود می‌داند.

یکی دیگر از نمونه‌های بارز نوآوری و خلاقیت، کشتی حضرت نوح (علیه‌السلام) است. پروردگار می‌فرماید:

« وَ هِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ عَلَى بُرْجٍ ارْتَكَبَ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ »، 'آن کشتی، آن‌ها را از مطن امواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (در این هنگام،) نوح فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش!».

در پرتوی همین آموزه‌های قرآنی بود که در موارد متعددی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مسلمانان، با ابتکار عمل و خلاقیت خود، نوآوری‌های بزرگی کردند و تمدن اسلامی را شکل دادند؛ از جمله حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ احد و بسیاری از احکام و حکم که معصومان بیان کرده‌اند. در واقع هدف اصلی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از بعثت در فضای سنگین جاهلیت و همه‌ی معارفی که این پیامبر امّی برای بشر آورد، نوآوری در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه‌ی مادی و معنوی زندگی انسان‌ها بود.

انقلاب اسلامی مردم ایران نیز برگرفته از همین الگو است و نوآوری‌های حاصل تفکر اسلامی است؛ برای مثال در نظام مردم‌سالار دینی یا در راهبردها و رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که امروزه آثار این نوآوری‌ها در عرصه‌های گوناگون پیداست. توفیق‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

درباربر توطئه‌های سنگین دشمنان نیز در پرتوی همین خودباوری و نوآوری‌های برگرفته از آموزه‌های دینی و قرآنی است.

• روایات

مشابه آنچه در آیات قرآن مشاهده کردیم، در روایات نیز آمده است ولی به صورت گسترده‌تر و مفصل‌تر. در این بخش، فقط به نمونه‌هایی از روایات اشاره می‌کنیم که با این مقاله متناسب است؛ ولی بحث جامع درباره‌ی این موضوع زمان و محل دیگری را می‌طلبد.

امام علی (علیه‌السلام):

«الْعَقْلُ غَرِيْبَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ»<sup>۱</sup> عقل غریبه‌ای است که با علم و تجربه رشد می‌کند.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله):

«إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِيْنَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»<sup>۲</sup> «همه‌ی خوبی‌ها را با عقل می‌توان به دست آورد».

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام):

«الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ»<sup>۳</sup> انسان با عقلش، انسان است.

امام علی (علیه‌السلام):

«الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ»<sup>۴</sup> فکر آینه‌ای بدون زنگار است.

امام علی (علیه‌السلام):

« مَنْ أَسْهَرَ عَيْنَ فِكْرَتِهِ بَلَغَ كُنْهَ هِمَّتِهِ »<sup>۵</sup> کسی که چشم اندیشه‌اش را بیدار بدارد، به نهایت مطلوبش خواهد رسید.

امام علی (علیه‌السلام):

« يَا كَمِيْلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ »<sup>۶</sup> ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، مگر آنکه تو در آن محتاج شناخت هستی.

۱ - غررالحکم، آمدی، عبدالواحد تمیمی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش، ص ۵۳

۲ - بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰- تحف العقول / النص / ۵۴

۳ - غررالحکم، ص ۴۹، ح ۲۹۵

۴ - نهج البلاغه، سیدرضی، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۸

۵ - غررالحکم، ص ۵۷

امام علی (علیه السلام):

« كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ »<sup>۱</sup>، نظر فراوان در علم، عقل را روشن می‌کند.

امام علی (علیه السلام):

« كَثْرَةُ النَّظَرِ فِي الْحِكْمَةِ تَلْقَحُ الْعَقْلَ »<sup>۲</sup>، نظر فراوان در حکمت، عقل را بارور می‌کند.

امام علی (علیه السلام):

« إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَفَكَّرَ وَ بَصُرَ فَأُبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي »<sup>۳</sup>، اهل بینش کسی است که بشنود، بیاندیشد و ببیند و با بینش در آن درنگ کند، از رخدادها پند گیرد، بهره‌مند شود و خود را از یرتگاه‌ها نگاه دارد.

پیامبر (صلی الله علیه وآله):

« تَذَاكَرُوا وَ تَلَاَقُوا وَ تَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينٌ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ جِلَاؤُهَا الْحَدِيثُ »<sup>۴</sup>، به یکدیگر آوید، با هم مباحثه کنید و در باره‌ی مسائل گوناگون سخن بگویید؛ زیرا سخن‌گفتن دل‌ها را صیقل می‌دهد. به‌راستی که دل‌ها زنگار می‌گیرد، چنان‌که شمشیر زنگار می‌گیرد و جلای دل‌ها سخن‌گفتن خوب است.

پیامبر (صلی الله علیه وآله):

« مَنْ اسْتَوَى يَوْمًا فَهُوَ مَعْبُودٌ وَ مَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ وَ مَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ »<sup>۵</sup>، اگر کسی دو روزش برابر باشد، مغبون است. اگر فردای کسی بدتر از امروزش باشد، ملعون است. اگر کسی در پی تدارک کاستی در عمل خود نباشد، کاستی در عقلش خواهد بود و اگر کسی در عمل و عقل کاستی داشته باشد، عدمش از وجودش بهتر است.

امام علی (علیه السلام):

۱ - بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۲۶۹

۲ - الدعوات، قطب الدین راوندی، قم، مدرسه ی امام مهدی (عج)، ۱۴۰۷ق، ص ۲۲۱

۳ - تحف العقول، ابن شعبه حرانی، قم، جامعه ی مدرسین، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۴ و بحار الأنوار، علامه ی مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۴۷

۴ - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۵۷

۵ - الکافی، شیخ کلینی، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۱

۶ - ارشاد القلوب، دیلمی، شیخ حسن، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۷

«أَدْلُ شَيْءٍ عَلَيَّ غَزَارَةُ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ»،<sup>۱</sup> محکم‌ترین دلیل بر کمال عقل، تدبیر نیکو (سنجیده و حساب شده) است.

#### • ضرورت‌های نوآوری

اگر بخواهیم هر برنامه‌ای درست اجرا شود و بازدهی مورد نظر را داشته باشد، طرح و برنامه‌ای برای تبیین و تشریح الگوها، هدف‌ها و شاخصه‌های فعالیت‌های امور لازم است تا در طول مسیر با سردرگمی و انحراف از مسیر اصلی مواجه نشویم. در غیر این صورت، خلاف مطلوب به دست خواهد آمد. مسأله‌ی نوآوری و شکوفایی در ابعاد گوناگون و در رشته‌های مختلف نیازمند کارشناس و متخصص همان رشته است تا با داشتن تصویر درست از نوآوری و شکوفایی، به مدون کردن شاخصه‌ها، برنامه‌ریزی و طراحی پرداخته شود. برای مثال، به منظور نوآوری و شکوفایی برنامه‌ی آموزشی و تعلیم و تربیت، نخست کارشناسان باید شاخصه‌های نوآوری در این راستا را شناسایی و الگویی درست ترسیم کنند تا مریدان و معلمان آن را دنبال کنند.

بنابراین، ما در نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت در مسجد که بیشتر به فعالیت‌های قرآنی و علوم دینی می‌پردازد، نیازمند طرح و برنامه‌ای هستیم که بیانگر شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی باشد. اما قبل از طراحی و برنامه‌ریزی در راستای تعلیم و تربیت در مسجد، ضروری است شاخصه‌های نوآوری مطلوب و مورد نظر مقام رهبری شناسایی شود تا به نتیجه‌ی مؤثر و مفید برسیم.

#### • شاخصه‌های نوآوری

نوآوری مطلوب و مد نظر رهبر معظم انقلاب مختصاتی دارد که به نتایج مفید و مؤثری منتهی و مانع برداشت‌های غلط می‌شود. پاره‌ای از شاخصه‌های نوآوری مطلوب عبارت است از:

۱- نوآوری در عرصه‌ی فکری و فلسفی الزاماً باین در مسیر دین مبین اسلام باشد و در ست مقابل بدعت‌ها، تحریف‌ها، خرافه‌ها و تحجرگرایی‌ها قد علم کند.

۲- نوآوری مطلوب نه تنها هنجارشکن و ساختارشکن نیست، بلکه در جایگاه هنجار مطرح می‌شود تا اسلام و انقلاب را زنده و پوی نگه دارد.

---

۱- غررالحکم، ص ۳۵۴، ح ۸۰۸۰

۳- نوآوری مطلوب در چارچوب اصول، سنت‌ها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد.

۴- نوآوری در روش و شیوه‌های اجرایی براساس تجربه‌ها صورت می‌گیرد تا راه مکلن بر باشد برای رسیدن به مقصود، نه نپناه.

۵- نوآوری مؤثر بانی در راستای نوآوری‌های گذشته باشد و مکمل آن، نه نوآوری‌سختی و مانع؛ چنانچه اصل انقلاب و جمهوری اسلامی نوآوری به حساب می‌آید و سالی نوآوری‌ها بانی مکمل آن باشد.

#### • مخاطبان اصلی نوآوری و شکوفایی

به نظر می‌رسد سه طیف مخاطب اصلی و مجری نوآوری باشند:

۱. مربیان، معلمان و متولیان مسجدها؛

۲. مسوولان و مدیران عالی جامعه؛

۳. نخبگان و خواص.

هر یک از گروه‌های اجتماعی ذکر شده رهن می‌توانند در سه حوزه (حداقل) نوآوری داشته باشند:

۱. حوزه فردی؛

۲. حوزه مدیریتی و تحت امر؛

۳. حوزه اجتماعی و ملی.

بنابراین مسجد، در جایگاه کانون تعالیم و تربیت، در هر یک از حوزه‌هایی که به آن اشاره خواهیم کرد می‌تواند نوآوری داشته باشد:

#### الف) در حوزه فردی

در فرهنگ اسلام، مسجد نهادی است مقدس و کانون تربیت و بیشترین نقش خودسازی و جامعه‌سازی موردنظر اسلام را برعهده دارد. در حوزه‌های ذکر شده، مسجد می‌تواند در این موارد نوآوری داشته باشد:

۱. نوآوری در برقراری ارتباط با خالق و تقرب جستن به او؛

۲. نوآوری در شیوه‌های تعامل مفید و وحدت‌آفرین افراد جامعه و محکم‌کننده‌ی پای‌های اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛

۳. نوآوری در چگونگی تهذیب نفس و خودسازی.

#### ب) در حوزه مدیریتی

مربیان و متولیان مسجدها، در حوزه‌ی مدیریتی تحت امر خود و در راستای تعالیم و تربیت در مسجد، در این امور سه‌گانه می‌توانند نوآوری داشته باشند:

۱. نوآوری در برنامه‌ریزی؛
۲. نوآوری در ساختار، تشکلات هیئت‌ها و دسته‌ها که احیاکننده و حافظ دست‌آوردهای فرهنگ اسلام است؛
۳. نوآوری در روش‌های اجرایی شدن برنامه‌ها و طرح‌ها، به گونه‌ای که سدی بر بهانه‌جویی دشمن و متهم کردن اسلام به خرافات باشد.

### ج) حوزه‌ی اجتماعی و ملی

گرچه نوآوری در سطح کلان این حوزه به متصدطن و نخبگان عالی‌رتبه‌ی کشور مربوط می‌شود اما هرکس باید در حوزه‌ی کاری خود به این امر توجه داشته باشد. در این راستا، مسجد رسانه‌ای سنتی است و در اطلاع‌رسانی چهره‌به‌چهره و آگاه‌ی‌دادن و به‌صحنه‌کشاندن مردم نقش مهم خودش را دارد؛ بنابراین سخنوران مسجد، می‌توانند راهکارهای نوآوری را در این موارد ارائه دهند:

۱. نوآوری در حیطه‌ی زندگی و کار؛
۲. نوآوری در سطح محلی و منطقه‌ای؛
۳. نوآوری در سطح شهری و کشوری.

### نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد

یکی از مکان‌های مؤثر و مفید برای نوآوری و شکوفایی در حوزه‌ی اجتماعی، در سطح محلی، منطقه‌ای یا شهری، مسجد است؛ زیرا در طول تاریخ - از صدر اسلام تاکنون - مسجد کانون آموزش علوم دینی و به‌ویژه علوم قرآنی بوده است. منتهی این آموزش‌ها تاکنون به‌صورت سنتی بوده است و آن‌گونه که باید مورد توجه قرار نگرفته و برای آن برنامه‌ریزی نشده است تا جذابیت و کارآیی خوبی برای اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه جوانان، داشته باشد.

بیشتر وقت‌ها اصول، هدف‌ها، رویکردها، کلیات آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی مفروض گرفته می‌شود؛ در نتیجه نوآوری‌ها فقط معطوف به عوامل و اجزای فرعی و ظاهرسازی می‌شود. برای مثال، رنگ‌آمیزی،



نقاشی و تنوع در زینت مسجد بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. گرچه این امر نیکو و بهجاست؛ اما هیچ‌گاه به درجه‌ی اهمیت آموزش و تعلیم و تربیت در مسجد نمی‌رسد.

نوآوری در تعلیم و تربیت نیازمند آن است که:

۱. از جدیدترین ابزارهای آموزشی استفاده شود؛
۲. متغی‌های درسی و مواد آموزشی که قرار است در مسجد تعلیم داده شود، کارشناسی شود و مطابق با نیازهای دانش‌آموزان مسجدی تدوین گردد؛
۳. سبک و شیوه‌ی آموزش باید به‌روز باشد و از شیوه‌های قدیمی پرهیز شود که تاکنون بازدهی موفق‌ی نداشته است.

### هدف اصلی تعلیم و تربیت در مسجد

بررسی هدف‌های تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی بیاندیشند و به‌جای وابستگی و استفاده از دستوردهای دیگران، در زمینه‌ی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خود مولد دانش و فناوری برای زندگی در عصر طلایی باشند. در طول تاریخ، کانون تربیت چنین افرادی در اسلام، مسجد بوده است. با توجه به فراگیر بودن دین مقدس اسلام و دخیل بودن آن در ابعاد گوناگون زندگی انسان، مسرئله‌ی تعلیم و تربیت در مسجد نیز ابعاد فراوانی به خود می‌گیرد. هدف اصلی از تعلیم و تربیت در مسجد، آموزش انسان‌ها در همه‌ی زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... است. در صدر اسلام، مسجد کارکردهای فراوانی در زمینه‌های مختلفی داشته است؛ اما امروزه به‌دلیل به‌وجود آمدن کانون‌ها و مرکزهای جدید، بسیاری از کارکردهای مسجد در این مکان‌ها انجام می‌شود و به مسجد در جایگاه مکاری برای عبادت و تقرب جستن به‌خدای تعالی نگاه می‌کنند؛ در حالی که در فرهنگ اسلام، مسجد نقشی سرنوشت‌ساز در متحول کردن بنیادی زندگی افراد بازی می‌کند. بنابراین مسجد می‌تواند در تحول عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و رفتاری افراد جامعه مؤثر باشد.

گرچه با ایجاد کانون‌های فرهنگی این مقوله کم‌رنگ شده است؛ اما دست‌کم آموزش‌های قرآنی کماکان در مسرچ‌دها ادامه دارد. نوآوری در شیوه‌ی آموزش‌های قرآنی اولویت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در اسلام، مسجد از همان نخست محل آموزش برترین کتاب الهی یعنی قرآن بوده است. از این رو، باید برای شکوفاشدن هرچه بیشتر تعلیم قرآن، ترویج فرهنگ قرآن‌خواهی در مسجد و گسترش آن در سطح کلی جامعه

چاره‌اندیشی کرد. البته باید این نکته را بیان کرد که مراد از قرآن‌خواهی، فقط روخوانی صرف و بهره‌بردن از معنی و فهم عمیق این کتاب مقدس نیست بلکه هدف نهایی فهمیدن قرآن است.

در این باره باید به چند چیز توجه شود:

#### ۱. توجه به فرهنگ آموزش قرآن

امروزه در دنیا، به‌خصوص در کشورهای پیشرو، نگاه به مقوله‌ی آموزش نگاه به رویدادی فرهنگی است. توجه به فرهنگ آموزش قرآن در کشورهای مشرق‌زمین، نیازی اساسی است؛ زیرا این کشورها، از جمله ایران، بسیاری از رفتارها و حتی افکار خود را از فرهنگ، ادبیات، عرفان و ادیان خود به‌دست می‌آورند. عدم توجه به فرهنگ‌سازی در امر آموزش و یادگیری، باعث می‌شود تعلیم و تربیت عمیق نباشد.

#### ۲. قرآن‌خواهی مقدم بر قرآن‌دانی

بهاین مثال توجه کنید: شما کودک خود را برای یادگیری نماز به مسجد یا کانون فرهنگی می‌فرستید؛ او در مدت کوتاهی با صحیح‌خواهی، فصیح‌خواهی، تلفظ حروف خاص عربی، ترجمه‌ی عبارات‌های نماز، آداب، شرایط و احکام عملی نماز آشنا می‌شود؛ اما کودک، در آموزش‌ها، به این مسئله نمی‌رسد که باید در طول زندگی نماز بخواند. هرساله اعتبارات زیادی صرف آموزش قرآن به بزرگسال، معلمان و ... می‌شود. با کمی دقت متوجه می‌شویم که این نوع آموزش‌ها از اساس زائد است و سود چندانی ندارد.

آموزش روخوانی قرآن، هدف کلاس اول تا سوم ابتدایی است؛ درحالی‌که آموزش عالی برای دانشجویان دوره‌های کارداری، کارشناسی و کارشناسی ارشد یکی واحد پیش‌نظر آموزش روخوانی برگزار می‌کند یا آموزش و پرورش همه‌ساله دوره‌های متعددی برای فرهنگیان برگزار می‌کند؛ اما کماکان مشکل به قوت خود باقی است. مشکل در نداشتن قواعد قرآنی نیست، بلکه در این است که افراد اصولاً قرآن نمی‌خوانند و اینکه قرآن‌خواندن روزانه، در طول زندگی، به‌صورت فرهنگ و رفتار در نیامده است. همگی ما نماز می‌خوانیم؛ زیرا از همان دوران کودکی که چشم خود را باز کردیم، دیدیم پدر و مادرمان نماز می‌خوانند یا پدر و مادر خود را مشغول خوردن سحری دیدیم، درحالی‌که رادیو دعای سحر را زمزمه می‌کرد؛ در نتیجه همه روزگهی شدیم. اما کودکان چندبار ما را مشغول خواندن قرآن دیده‌اند؟ آنچه متولیان، برنامه‌ریزان و مجریان باید به آن توجه کنند، همین مطلب است. اجرای طرح تلاوت نور در مسجدها، یکی از طرح‌های موفق است که باید بیشتر مورد توجه و تعمیم قرار گیرد.

### ۳. از مسجد شروع کنیم

اگر نمازگزاران مسجد، در سراسر کشور، روزی یک صفحه قرآن بخوانند، در فهم آیات ساده و پرکاربرد آن کوشش و تدبر کنند، امام جماعت انجام همه‌روزه‌ی این کار را نهادینه کند و از قاریان برجسته در مسجدها دعوت شود تا قرآن را با صدای دلنشین زمزمه کنند و بقیه‌ی نمازگزاران نیز او را همراهی کنند، به‌طور قطع آثار و برکات قرآن شامل حال حاضران خواهد شد.

قرآن را نباید برای ختم‌کردن، نکته‌برداری و استفاده در سخنرایی‌ها بخوانیم، بلکه باید برای دل خود بخوانیم و مانند کسی که برای یافتن داروی درد خود به داروخانه می‌رود، دنبال دوی دردهایمان در قرآن باشیم؛ زیرا هدایت ثمره‌ی قرآن است:

« تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رَيِّحُ الْقُلُوبِ وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ »، قرآن

را بیاموزید، زیر قرآن بهار دل‌هاست. از نور قرآن شفا جوید؛ زیرا که شفای سینه‌ها است.

آموزش روخوانی و روان‌خوانی صرف یا کلاس حفظ قرآن و آموزش قرائت، به‌تنهایی، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف دانش‌آموزان و فراگیران باشد. شاید یکی از رمزهای جاودانگی و جذابیت مجلس‌های عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) یا مراسم شب‌های احیاء، همین تنوع برنامه‌ها و فعالیت‌ها باشد که باید در آموزش قرآن و تعلیم و تربیت در مسجد نیز به آن توجه کرد.

### ۴. فعالیت‌های فوق برنامه باید مکمل برنامه‌ی درسی قرآن باشد

دانش‌آموزان درحالی در مسابقه‌های قرآنی و معارف اسلامی شرکت می‌کنند که محتوای پیش‌بینی‌شده‌ی مسابقه را در مدرسه آموزش نمی‌بینند. درمقابل محتوای کتاب‌های درسی قرآن، دینی و سایر کتب‌ها کمتر در مسابقه‌ها می‌آید؛ کتاب‌هایی که پژوهشگران دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب‌های درسی، با دقت فراوان و متناسب با نیازها و علائق دانش‌آموزان، طراحی کرده‌اند. بنای مثال مسابقه‌های قرائت و حفظ قرآن که فعالیت قرآنی تخصصی‌ای است، هیچ‌گاه جزء هدف‌های کلان آموزش و پرورش نبوده است. درمقابل، کسب مهارت روخوانی و روان‌خوانی قرآن از هدف‌های اصلی آموزش قرآن در دوره‌ی ابتدایی است. چه خوب است مربیان قرآن‌آموزی مسجدها به‌جای برگزاری مسابقه‌های قرائت و حفظ، مسابقه‌های روخوانی (برای

۱ - تصنیف غرالحکم و دررالکلم، آمدی، عبدالواحد تمیمی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش، ص ۱۱۲

کلاس‌های اول تا سوم) و روان‌خوانی (برای کلاس‌های چهارم و پنجم) برگزار کنند یا در دوره‌ی راهنمایی به مسابقه‌های روان‌خوانی (ترتیل آموزشی) و درک و فهم آیات و عبارات‌های قرآنی اهمیت داده شود.

#### ۵. مهارت‌آموزی به‌جای قاعده‌ی آموزش

همان‌طورکه در بند سوم گفته شد، علت مهجوریت قرآن در جامعه این نیست که افراد با قواعد روخوانی و روان‌خوانی آشنا نیستند بلکه اشکال این است که اصولاً افراد با قرآن مأنوس نیستند. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه، توجه به مهارت‌آموزی به‌جای قاعده‌آموزی است. در جلسه‌های موفق و معتبر قرآن، روش حاکم مهارت‌آموزی است. استاد در صدر جلسه می‌نشیند، افرادی که به حلقه‌ی انس با قرآن نشست‌اند، هر یک چند آیه می‌خوانند و استاد اشکال‌های آنان را موردی و تلگرافی برطرف می‌کند؛ اما در مدرسه‌ها و کلاس‌ها قواعد قرآن محور آموزش است. در این کلاس‌ها معلم ارتباط کمی سویه دارد و به‌طور معمول متکلم‌وحده می‌شود و آنچه بیش‌ازهمه مورد غفلت قرار می‌گیرد، کم‌خواندن قرآن است.

#### ۶. اجرای کامل برنامه‌ی درسی قرآن

مهم‌ترین عامل در موفق نبودن برنامه‌ها و طرح‌ها، ازجمله برنامه‌ی درسی قرآن در آموزش و پرورش و به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، اجرا نکردن کامل برنامه‌های پیش‌بینی شده است. در برنامه‌ی درسی قرآن سه عامل مهم که در ادامه می‌گوییم باید هم‌عرض اجرا شود تا هدف‌ها محقق شود:

۱. معلمان و مربیان قرآن‌آموزی مسجدها، باید با ابعاد و اجزاء برنامه‌ی درسی قرآن آشنا شوند و مهارت لازم را در آموزش قرآن به‌دست آورند؛
۲. باید وسایل آموزشی - از قبیل لوح آموزشی، نوار آموزش قرآن معلم و دانش‌آموز، کتاب راهنمای تدریس معلم و ضبط صوت - فراهم باشد تا آموزش با اختلال روبرو نشود؛
۳. به نقش خانواده در آموزش توجه شود؛ زیرا بیش‌از یک پنجم آموزش بر عهده‌ی خانواده است.

#### ۷. خانواده و زمینه‌های لازم آموزش قرآن

مواردی که خانواده‌ها باید توجه کنند تا زمینه‌های لازم برای آموزش قرآن فراهم شود. در مقدمه‌ی هر یک از کتاب‌های درسی دانش‌آموزان آمده است: خوب است معلمان در آموزش خانواده به این شیوه عمل کنند:

- پدر و مادر به مدرسه دعوت شوند و در کلاس درس قرآن حضور یابند؛

- نمونه‌ای از روش آموزش قرآن با حضور دانش‌آموزان برای خانواده‌ها اجرا شود تا آن‌ها با تلاوت و ریزه‌کاری‌های آموزش آشنا شوند؛
  - موارد گفته‌شده در مقدمه‌ی کتاب برایشان بازگو شود؛
  - با خانواده‌ها میثاق شفاهی بسته شود که روزی یک صفحه قرآن بخوانند تا این فرهنگ به کودکان منتقل شود.
۸. فراگیر کردن قرآن‌خوانی

مربیان و معلمان مسجد‌ها، حوزه‌های علمیه، سازمان صداوسیما، نهضت قرآن‌آموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی و وزارت آموزش و پرورش باید به این نکته توجه کنند که مؤسسه‌ها روند فعالیت‌های قرآنی به جای عمومی‌شدن به سوی تخصصی‌شدن حرکت می‌کند و شاهد این مسئله هستیم که روزبه‌روز ارتباط عموم مردم با قرآن کمتر و کمتر می‌شود. البته این مطلب به معنی کنار گذاشتن فعالیت‌های تخصصی نیست، بلکه باید توجه شود فعالیت‌های تخصصی روزبه‌روز ساده‌تر و عمومی‌تر شود. به‌خصوص مراکزی که در این زمینه مسئولیت اصلی و مستقیم را دارند، باید در هدف‌ها و روش‌هایشان تجدیدنظر کنند.

### بخش نکات

بخش نکات‌های مهمی هست که زمینه‌ساز نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد است، برای مثال:

- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی بین افراد جامعه، با کمک مسجدها؛
- برگزاری کلاس‌های احکام، اخلاق و قرآن به شیوه‌ی نو و جذاب؛
- برگزاری کلاس‌های هنری برای جوانان، در مسجد؛
- برگزاری کلاس‌های آموزش رایانه برای استفاده از علوم اسلامی؛
- برگزاری کلاس‌های روش تحقیق، تبلیغ، سخنرانی و مداحی؛
- پخش سری‌دی‌های مذهبی بین جوانان و کودکان؛
- برگزاری نماز جماعت دانش‌آموزان؛
- فراخوانی والدین دانش‌آموزان و کمک‌گرفتن از آنان در امر آموزش؛
- تأسیس و بازسازی کتابخانه‌های مسجدها، متنوع‌کردن کتاب‌های موجود در مسجدها مطابق با سطح فکری اقشار مختلف جامعه؛

- ارتباط دوسویه‌ی مسجدها با سایر کانون‌های فرهنگی؛
- دعوت دانش‌آموزان مدارس و آموزشگاه‌ها به مسجد در مناسبت‌ها و عیدهای اسلامی؛
- امکان دسترسی آسان مردم به امکانات فرهنگی مسجد؛
- زیباسازی مسجدها.

### راهکارهای عملی در اجرای طرح نوآوری و شکوفایی

آنچه در تحقق نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد در خور توجه است، داشتن برنامه‌های نو در قالب شیوه‌های اجرایی جدید و در سطح کلان مسجدهای کشور و همچنین تلاش برای شکوفاکردن تلاش‌های گذشته است که به مقدمات زیادی نیاز دارد و نبودن بسترها امکان تحقق آن را از ذهن دور می‌کند.

بنا بر سخنان رهبر معظم انقلاب، یکی از مقدمه‌های لازم برای تحقق نوآوری بسترسازی برای نوآوری است که امامان جمعه و جماعت می‌توانند نقش بسیار مهمی در اجرای آن داشته باشند. برای مثال:

۱. امامان جمعه و جماعت باید در صحنه‌ی سرپرسی و اجتماعی کشور فضای آرام روانی ایجاد کنند و از تنش‌ها و چالش‌های ساختگی و حاشیه‌ای بپرهیزند که جز اتلاف وقت هیچ دردی را دوا نمی‌کند.

۲. کشاندن همه‌ی مردم به صحنه‌ی نوآوری و شکوفایی، به‌ویژه تعلیم و تربیت در مسجد. امیدواریم با عزم ملی و اراده‌ی جمعی، در اجزای مختلف آموزشی و در مسجدها فضای نوآوری حاکم گردد.

۳. هماهنگ‌کردن مسئولان، مدیان و نخبگان نوآوری مطلوب در فضای جامعه گسترش یابد.

۴. اجرایی‌کردن نگاه فرا جناحی حزب‌ها و تشکل‌ها به موضوع نوآوری و اجتناب از مصادره‌ی آن به نفع گروه یا جناحی خاص.

۵. شناسایی نقصان و کاستی‌های موجود در سیستم‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت که تاکنون وجود داشته است و در معرض دید عموم قراردادن بن‌بست‌ها و کمبودها تا برای رفع آن‌ها چاره‌جویی شود.

۶. تدبیر علمی و عقلی در ارائه‌ی نوآوری‌ها و فراخوانی مدیر و مدبر موفق در سیستم تعلیم و تربیت در مسجدها.

۷. پرهیز از بلندپروازی‌ها جهت عملی‌کردن طرح‌ها.

۸. شناسایی تناسب نوآوری‌ها با ظرفیت‌ها و امکانات موجود مسجدهای مختلف کشور و متناسب بودن آن‌ها با سطح فکری اهالی آن منطقه.
۹. تلاش شود تا نوآوری براساس مطالبات عمومی جامعه باشد و به دور از افزایش ریزها و غی‌واقعی کردن آن‌ها.
۱۰. تکریم و تجلیل از افکار و طرح‌های نو؛ به‌ویژه طرح‌هایی که از سوی جوانان ارائه می‌شود.
۱۱. تلاش برای فراگیر کردن نوآوری. از یک نگاه، همه‌ی جامعه مخاطب رهبر معظم انقلاب هستند و هرکس بایستی به اندازه‌ی توان خود، در جهت رسیدن به نقطه‌ی مطلوب، تلاش کند. گرچه نخبگان جامعه نهی از دیگران مورد خطاب قرار می‌گیرند.

### آسیب‌شناسی

ممکن است نوآوری و شکوفایی واقعی، در نظام تعلیم و تربیت مسجد، با مانع‌هایی مواجه شود که توجه نکردن به آن‌ها موجب انحراف یا سطح‌نگری می‌شود. از این رو، لازم است با نگاه‌ی آسیب‌شناسانه مانع‌ها را شناسایی کنیم و برای رفع آن‌ها بکوشیم. در ادامه به برخی از این مانع‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. جزئی‌نگری به جای کلان‌نگری: مشغول شدن به امور فرعی و اشتغال ذهن به مسائل جزئی سبب می‌شود مسائل و هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت فراموش شود و به نتیجه‌ای مطلوب نرسیم.
۲. بخشی‌نگری و مصادره به مطلوب: سوق دادن نوآوری‌ها به حوزه‌های خاص، حتی در صورت نتیجه‌بخش بودن، سبب رشد ناهمگون می‌شود و در نتیجه اثرهایی معکوس در پی خواهد داشت. گرچه این راهبرد بایستی از سوی همه‌ی مسئولان و نخبگان دنبال شود اما باید مراقب باشیم در نظام تعلیم و تربیت مسجد که هویت مسلمانان در آن شکل می‌گیرد، با رشدی ناموزون و بی‌قواره مواجه نشویم.

۳. نوآوری نباید با غرض‌های سطحی همراه باشد به منفعت‌های جناحی آلوده شود.

۴. افراط و تفریط: برخورد افراطی با مقوله‌ی نوآوری به معنای برهم زدن همه‌ی ساختارها، برنامه‌ها و شیوه‌های قبلی و مرسوم است. تعجیل و شتابزدگی در این راهبرد امکان دارد به همان اندازه مخاطره‌آمیز و منفی باشد که تفریط و مقاومت در برابر هرگونه ابتکار و خلاقیت.

۵. عدم شناخت مرز بین نوآوری و بدعت: اگر شناخت درستی از نوآوری، به‌ویژه در بخش تعلیم احکام و اخلاق و الگودادن به جوان‌ها، وجود نداشته باشد، ممکن است نوآوری به بدعت و الگودهی ناسازگار با اصول اسلام بیانجامد.

با توجه به آنچه در مورد شاخصه‌ها، الزامات و آسیب‌های نوآوری بیان شد، این نکته روشن می‌شود که برای تحقق راهبرد نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد، قبل از هر چیزی، بایستی رفتارهای شخصی و اخلاقی کاری معلمان، مربیان، پیشگامان مسجد و مسجدی‌ها اصلاح شود. بی‌تدبیرگی و بی‌توجهی‌ها وجود دارد که از مقدمه‌های ضروری به‌شرفت جامعه است؛ مانند: مسئولیت‌پذیری، نظم، قانون‌پذیری، اعتماد به نفس، داشتن روحیه‌ی کار و تلاش و هم‌اندیشی با نخبگان و مردم. این ویژگی‌ها نخست بایستی در روحیه‌ی و شخصیت معلمان، متولیان و مربیان مسجدها بروز کند تا بتوان راهبردهای اساسی و کلان را در این نهاد مقدس عملی کرد.

**منبع: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد**